

بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)

اصغر آقا مهدوی *

حمیدرضا اسمعیلی گیوی **

مجتبی کاوند ***

چکیده

شرکت و نهاد تکافل با همان اهداف شرکت بیمه، یعنی به منظور پوشش خسارت‌ها و خطرهای احتمالی در آینده طراحی شده است که علاوه بر رسیدن به چنین هدفی، تکافل‌شوندگان را در سود حاصل از فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سودآور شریک می‌نماید. تکافل خانواده و تکافل عمومی مبتنی بر مضاربه، الگوهایی از تکافل است که در این مقاله بررسی می‌شود. گرچه این الگوها بر اساس عقود معین مضاربه، هبه، قرض و وکالت طراحی شده؛ ولی با توجه به اهداف خاصی که این شرکت‌ها دنبال می‌کنند، عقود مرکبی است که با مقاصد هیچ یک از این عقود به تنهایی مطابقت ندارد. در این تحقیق، تحلیل فقهی ارائه شده نسبت به این دو الگو که با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است، صحت این الگوها را تأیید می‌نماید. به نظر می‌رسد که تکافل علاوه بر اینکه اهداف شرکت‌های بیمه را تأمین می‌کند، با توجه به بهره‌مندی تکافل‌شوندگان در مازاد حاصله، با مبانی اسلام و عدالت سازگارتر است.

واژه‌های کلیدی: بیمه، تکافل، قرض، هبه، وکالت، مضاربه

Email: a.mahdavy@isu.ac.ir

Email: esmaely@gmail.com

Email: mojtaba.isu@gmail.com

* استادیار دانشگاه امام صادق(ع)

** کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)

*** کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)

تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۲۵ تاریخ تأیید: ۸۸/۹/۱۷

مقدمه

امروزه بیمه یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد محسوب می‌شود و نقش آن به عنوان پایگاه تأمین مالی در بازارهای مالی و غیر مالی غیر قابل انکار است. بیمه مسئله جدید و مهمی است که مجادلات و مناقشات بسیاری را به وجود آورده است. از اواخر قرن بیستم که تلاش‌هایی برای اسلامی شدن اقتصاد در جهان اسلام آغاز شد، ابتدا بانکداری اسلامی مطرح شد و حذف بهره از عملیات بانکی به عنوان گامی به سوی اسلامی شدن اقتصاد به حساب آمد، سپس اسلامی شدن بیمه مورد بررسی قرار گرفت. مخالفت‌ها با بیمه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ باعث طرح مباحثی به منظور یافتن راه‌حل قابل قبولی برای مدیریت ریسک مالی شد. فقهای مسلمان از زمان معرفی این صنعت به جامعه مسلمین، برای طرح جایگزین بیمه کنونی، تلاش زیادی کرده‌اند. آنها این مسئله را در کنفرانس‌های مختلفی به بحث گذاشته و الگوهای تکافل را پیشنهاد داده‌اند که این راه‌حل بر اساس هبه، مضاربه و وکالت بوده و زمینه فعالیت بیمه اسلامی را فراهم می‌کند. در حالی که انتقاد از توانمندی‌های صنعت تکافل امری نسبتاً عادی است، بسیاری از کسانی که به وجود تقاضا برای محصولات و خدمات اسلامی معتقدند، توانسته‌اند با اختصاص سرمایه‌های خود برای سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و نوآوری‌های تکافل، درستی ادعای خود را ثابت کنند. همچنین سرعت رشد صنعت تکافل دلیل محکمی برای آغاز همکاری منتقدان تکافل در توسعه این صنعت شده است (جعفر، ۲۰۰۷، ص ۳).

نخستین شرکت بیمه اسلامی در سال ۱۹۷۸ در خارطوم (سودان) به نام «شرکت بیمه اسلامی با مسئولیت محدود» و به عنوان یکی از شرکت‌های وابسته به بانک اسلامی فیصل سودان تأسیس شد (عتیق الظفرخان، ۲۰۰۵، ص ۲). در این مسیر، بسیاری از شرکت‌های بیمه اسلامی (تکافل) در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی (بیش از ۲۲ کشور جهان) تأسیس شد و با موفقیت به کسب و کار خود ادامه داد (لوئیس و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۱).

اگرچه در بین فقهای امامیه مخالفت کمتری با بیمه رایج شده و برخی ظاهر ادله را دال بر مستقل بودن و مشروعیت آن می‌دانند (امام خمینی، ۱۴۰۹، ص ۶۰۹)؛ اما هنوز از طرف آنها، شرعی بودن تکافل، مورد بررسی قرار نگرفته است. صنعت تکافل یا بیمه اسلامی ویژگی‌هایی دارد که این صنعت را از صنعت بیمه رایج متمایز می‌کند. برای

مثال، عملیات‌های تکافل در مقایسه با عملیات‌های بیمه رایج از شفافیت مالی برخوردار بوده و همچنین بر خلاف بیمه رایج، تکافل‌شوندگان در مازاد پذیره‌نویسی و سود سرمایه‌گذاری تکافل نیز سهیم هستند. بنابراین، مطالعه الگوهای تکافل و بررسی شرعی بودن فعالیت‌های آن به منظور به‌کارگیری الگوهای تکافل برای تحت پوشش قرار دادن شرکت‌ها و افراد جامعه به عنوان جایگزین بیمه رایج با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن می‌تواند به شکوفاتر شدن اقتصاد منجر شود. این تحقیق، به دنبال آن است تا با استفاده از روش تحقیق مطالعه چند موردی (برای بررسی اسناد و مدارک به منظور شناخت الگوهای مورد استفاده شرکت‌های تکافل دنیا) و تحلیل محتوا (برای تحلیل فقهی الگوهای شناخته شده)، علاوه بر توضیح الگوهای تکافل مبتنی بر مضاربه، بررسی سازوکارهای عملیاتی و تفاوت‌های آن با بیمه رایج به این سؤال پاسخ دهد که آیا برای پوشش مخاطرات احتمالی، این ساز و کار از دیدگاه فقه امامیه شرعی است؟ در این پژوهش، برای پاسخ به این سؤال، بعد از بررسی صنعت تکافل و مقایسه آن با بیمه رایج به تشریح الگوهای عملیاتی تکافل مبتنی بر مضاربه می‌پردازیم و در نهایت، انطباق سازوکار این الگوها با فقه امامیه را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم، سپس در نتیجه‌گیری بیان می‌شود که الگوهای تکافل مبتنی بر مضاربه، علاوه بر اینکه اهداف شرکت‌های بیمه را تأمین می‌کند، با توجه به بهره‌مندی تکافل‌شوندگان در مازاد حاصله، با مبانی اسلام و عدالت سازگارتر بوده و منطبق با فقه امامیه است.

پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی و تبیین سازوکارهای تکافل مبتنی بر مضاربه، در بعضی از منابع مرتبط با تکافل، اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه توضیح داده شده و این الگوها تشریح شده است. مهم‌ترین این منابع عبارت است:

محمدی مهر (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام»، به تبیین ماهیت و اهمیت تعاون و تکافل در جامعه پرداخته و سازوکارهای برخی از الگوهای شرکت‌های تکافل را به صورت کلی آورده است.

عسگری و اسمعیلی‌گیوی (۱۳۸۷، ص ۳۵-۵۵) در مقاله‌ای با عنوان «صنعت تکافل، ویژگی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو»، به تشریح سازوکارها و وضعیت فعلی

شرکت‌های تکافل خانواده در جهان پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که صنعت بیمه اسلامی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردش، به عنوان صنعتی پر سود به سرعت در حال رشد و فراگیر شدن است.

همچنین عسگری و اسمعیلی گیوی (۱۳۸۸) در مقاله دیگری با عنوان «تحلیل نظری مقایسه‌ای ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافلی اسلام و بیمه‌های متعارف»، در شماره ۳۲ فصلنامه اقتصاد اسلامی به مقایسه تکافل خانواده و بیمه عمر رایج از نظر منافع و محصولات ارائه شده آنها پرداخته‌اند.

در انگلیس، سهیل جعفر (۲۰۰۷) در فصل هشت کتابش با عنوان بیمه اسلامی: روندها، فرصت‌ها و آینده تکافل، به‌طور ناقص درباره برخی از الگوهای رایج تکافل بحث کرده است.

در پاکستان، وحید اختر (۲۰۰۹) در پایان‌نامه مقطع دکترایش با عنوان «فرصت‌های بالقوه تکافل در پاکستان: الگوی تحول‌آفرین و عملیاتی»، با بررسی وضعیت بازار تکافل در دنیا و مقایسه آن با بیمه رایج به پیش‌بینی میزان موفقیت این صنعت در پاکستان پرداخته است. در بخشی از آن که تکافل و بیمه رایج را مقایسه کرده، درباره الگوهای رایج مورد استفاده شرکت‌های تکافل توضیحاتی داده است.

مقاله‌ای نیز توسط لوئیس و همکارانش (۲۰۰۷، ص ۳۹ - ۵۸) در نشریه ساندربیرد با عنوان «بیمه اسلامی، الگوهای کسب و کار، ایرادات شرعی و راهکارهای پیشنهادی» به چاپ رسیده است. در این مقاله، سازوکار الگوهای عملیاتی تکافل از نظر فقه اهل سنت بررسی شده است.

همان‌طور که مشخص است، در این تحقیق‌ها، سازوکار الگوهای مورد استفاده شرکت‌ها بررسی شده است؛ اما هیچ کدام از آنها به طور کامل عقود مورد استفاده در این الگوها و چگونگی ترکیب آنها را - به‌خصوص به لحاظ انطباق با فقه امامیه - به صورت دقیق بررسی نکرده است. این تحقیق، عقود مورد استفاده و چگونگی ترکیب آنها را در الگوهای مبتنی بر مضاربه تکافل بررسی می‌کند و پس از تبیین آنها، به صورت اجتهادی به بررسی منطبق بودن این ترکیب و سازوکارهای مورد استفاده با فقه امامیه می‌پردازد.

مفهوم تکافل و صنعت تکافل^۱

واژه تکافل از قرآن و سنت (از واژه عربی «کفالت») گرفته شده است و به معنای ضمانت مشترک می‌باشد که هدف آن، مشارکت و یاری دو جانبه میان اعضای گروه مشخصی است. در عمل، تکافل به عنوان روشی مبتنی بر ضمانت مشترک اعضای یک گروه در برابر ضرر و زیان‌های احتمالی وارد بر هر یک آنها مطرح می‌شود. اعضای این گروه در صورتی که برای فردی مشکل و یا حادثه‌ای رخ دهد، بر ضمانت و وثیقه مشترک اتفاق نظر داشته و مجموع منابع جمع شده را برای جبران خسارت به فرد ضرر دیده می‌پردازند. تمامی اعضای گروه تلاششان را به کار می‌گیرند تا فرد نیازمند را حمایت کنند. در بعضی منابع، این واژه را ضمانت طرفینی یا مسئولیت مشترک نیز معنا کرده‌اند (صلاح‌الدین، ۲۰۰۶، ص ۵۱۲).

عمل شرکت‌های تکافل به دو دسته تقسیم می‌شود: تکافل عمومی و تکافل خانواده. تکافل خانواده، یعنی ایجاد مصونیت و امنیت برای فرد، یا مجموعه‌ای از افراد و یا خانواده‌های آنها، که این نوع پوشش در ارتباط با زندگی‌شان می‌باشد. این نوع از تکافل، یک سازوکار مالی مبتنی بر اصول تعاون است که هدف آن، ایجاد مسئولیت به منظور حمایت از بیوه‌ها، یتیمان و دیگر وابستگان شخص تکافل‌شونده است (خانزاده، ۲۰۰۶). به خدمات بیمه اسلامی غیر از این، تکافل عمومی گفته می‌شود.

اصطلاح «صنعت تکافل»، شامل تمامی متصدیان کسب و کار ارائه خدمات و محصولات تکافل می‌باشد. این صنعت، شرکت‌های بیمه مستقیم^۲ (که برای ارائه طیف گسترده‌ای از محصولات تکافل پذیرهنویسی می‌کنند) شرکت‌های بیمه رایج^۳ (که تعداد محدودی از محصولات تکافل را ارائه می‌کنند) و شرکت‌های بیمه اتکایی و تکافل اتکایی را در بر می‌گیرد. بانک‌ها نیز با پرداختن به کسب و کار تکافل و توزیع محصولات تکافل در حال تبدیل شدن به بازیگران فعال در عرصه این صنعت هستند. همچنین دلالت^۴ بیمه اتکایی، اتحادیه‌های بیمه و مدیران صندوق‌ها از فعالان صنعت تکافل هستند (جعفر، ۲۰۰۷، ص ۳-۴).

این صنعت در اوایل دهه ۱۹۹۰ فقط از تعدادی شرکت تشکیل شده بود. از اواسط دهه ۲۰۰۰، تعداد شرکت‌های تکافل افزایش یافت و کسب و کار بیمه اسلامی به شدت

1. takaful industry

2. Direct Insurance Companies

3. Conventional Insurance Companies

4. brokers

رونق گرفت که این رشد، هم از نظر تخصصی و هم از نظر رقابت تا حدی به خاطر تداوم رشد سرمایه‌گذاری‌های اسلامی مرتبط با بیمه بوده است (عسگری و اسمعیلی گیوی، ۱۳۸۷، ص ۳۵-۵۵).

ویژگی‌های تکافل در مقایسه با بیمه رایج

در این بخش، بیمه رایج و تکافل در دو محور اهداف و انگیزه‌ها، و سطح محصولات و خدمات به صورت تطبیقی بررسی می‌شود. این بررسی تطبیقی، در محور اول با تبیین ماهیت کسب و کار، ماهیت قرارداد، منابع قوانین و مقررات و مبتنی بودن بر اصل تعاون صورت می‌گیرد. در محور دوم، نیز، بیمه رایج و تکافل در شش شاخص، یعنی میزان شفافیت در عملکرد، سرمایه‌گذاری وجوه، التزامات و منافع، ارزش بازخرید، توزیع مازاد و منافع، حق رأی و حق شرکت در مجمع عمومی با هم مقایسه می‌شود.

الف) اهداف و انگیزه‌ها

مهم‌ترین تفاوت‌های میان بیمه رایج و تکافل در این محور را می‌توان به طور خلاصه با توجه به شاخص‌های زیر تبیین نمود (عبیدالله، ۲۰۰۵، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ بالله، ۲۰۰۳، ص ۱۸-۲۱) (جدول ۱):

۱. ماهیت کسب و کار: کسب و کار بیمه رایج مبتنی بر انگیزه کسب سود است و به سهام‌داران و مالکان این شرکت‌ها کمک می‌کند تا بازده خود را به حداکثر برسانند؛ اما تکافل مبتنی بر انگیزه حمایت و تأمین رفاه اجتماعی تکافل‌شونده و خانواده او است؛

جدول ۱: بیمه رایج در مقایسه با تکافل

تکافل	بیمه رایج	محور مقایسه
مبتنی بر انگیزه حمایت و تأمین رفاه اجتماعی تکافل‌شونده و خانواده او است.	مبتنی بر انگیزه کسب سود است.	ماهیت کسب و کار
قراردادی است بین تمام تکافل‌شوندگان برای تقسیم مخاطرات خود و مشارکت در حمایت.	مانند قرارداد بیع است که بیمه‌گر در قبال پوشش ریسک بیمه‌گذار از او پول دریافت می‌کند.	ماهیت قرارداد

تکافل	بیمه رایج	محور مقایسه
مبتنی بر وحی الهی (قرآن و سنت) و نظرات و فتاوای شرعی علما و کمیته‌های فقهی موجود در این شرکت‌هاست.	در نتیجه تجربه‌های کسب و کار، تفکرهای بشری، ادبیات قضایی، پایگاه‌ها و فرهنگ آن کشور است.	منابع قوانین و مقررات
اعضا هم بیمه‌گذارند و هم بیمه‌گر؛ در کلیه خسارت‌ها شریک می‌شوند و در انتقال مخاطره نیز مشارکت دارند.	منافع بیمه‌گذار و بیمه‌گر با هم یکی نیست و تعاون واقعی وجود ندارد.	مبتنی بودن بر اصل تعاون

۲. **ماهیت قرارداد:** در بیمه رایج، مشتریان همان خریداران بیمه‌نامه‌ها هستند که به شرکت بیمه برای پوشش مخاطره‌های احتمالی خود، خانواده و یا غیره، حق بیمه پرداخت می‌کنند. در حقیقت، این یک قرارداد بیع است که بیمه‌گر در برابر پوشش ریسک بیمه‌گذار از او پول دریافت می‌کند؛ اما تکافل یک قراردادی میان تمام تکافل‌شوندگان برای تقسیم مخاطرات خود است؛

۳. **منابع قوانین و مقررات:** قوانین و مقررات بیمه رایج، در نتیجه تجربه‌های کسب و کار، تفکرهای بشری، ادبیات قضایی، پایگاه‌ها و فرهنگ آن کشور است. مقررات تکافل مبتنی بر اصول اسلامی (قرآن و سنت)، نظرات و فتاوای شرعی علما و کمیته‌های فقهی موجود در این شرکت‌هاست. مراجع قانونی می‌توانند مواردی را از شرکت‌های بیمه رایج بگیرند و با تعدیل و اصلاح آنها برای سیستم تکافل به‌کار گیرند؛

۴. **استوار بودن بر اصل تعاون:** در تکافل که بر اصل تعاون استوار است، اعضاء هم بیمه‌گذار و هم بیمه‌گر هستند؛ یعنی در تمامی خسارت‌ها شریک می‌شوند و در انتقال مخاطره نیز مشارکت دارند (میرجلیلی، ۱۳۸۰، ص ۹۲).

ب. سطح خدمات و محصولات

مقایسه بیمه رایج و تکافل در شش شاخص با توجه به کیفیت خدمات و محصولاتی که به مشتریان ارائه می‌کنند، عبارت است از (عبیدالله، ۲۰۰۵، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ بالله، ۲۰۰۳، ص ۱۸-۲۱):

۱. **شفافیت و افشاء:** در بیمه رایج، در مورد موضوع اصلی قرارداد، عدم اطمینان وجود دارد. همچنین شرکت‌های بیمه به هیچ وجه اطلاعات ریز خود را در

اختیار عموم بیمه‌شوندگان قرار نمی‌دهند (به همین خاطر، از عملیات‌ها و فعالیت‌های شرکت‌های بیمه با نام جعبه سیاه یاد می‌شود)؛ بنابراین، در شرکت‌های بیمه رایج عدم افشاء و شفافیت وجود دارد.

در شرکت‌های تکافل، به این دلیل که همه اطلاعات در اختیار تکافل‌شوندگان قرار می‌گیرد، قرارداد تکافل شفاف‌تر است؛ بنابراین، فعالیت‌ها و عملیات‌های آنها هم کاملاً مشخص‌تر از بیمه رایج است؛

۲. **سرمایه‌گذاری وجوه:** در بیمه رایج، وجوه مربوط به صندوق‌های بیمه عمر و عمومی در ابزارهایی با نرخ بهره ثابت نیز سرمایه‌گذاری می‌شود (وقتی شرکت‌های بیمه، خود را بیمه اتکایی می‌کنند، به ناچار سراغ شرکت‌های بیمه اتکایی باید بروند که از این ابزارها استفاده می‌کنند. حتی بعضی از این شرکت‌ها در امور و برنامه‌های غیر شرعی، مانند باشگاه‌های شبانه، قمارخانه‌ها و غیره نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند)؛ اما در کسب و کار تکافل، همه پول در ابزارهای شرعی‌ای سرمایه‌گذاری می‌شود که با مبانی مضاربه، وکالت، اجاره و غیره کار می‌کند؛

۳. **التزامات و منافع:** در بیمه رایج، بیمه‌گذاران می‌توانند در صورت وقوع خطر بیان شده در قرارداد، تمام پولی را که در بیمه‌نامه آمده است، درخواست کنند؛ اما در صورت عدم وقوع خطر نمی‌توانند ادعایی داشته باشند. در تکافل خانواده، تکافل‌شونده به هنگام بروز خطر می‌تواند همه تعهد تکافل‌گر (که از صندوق مخاطره پرداخت می‌شود)، تمام موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود از سود کسب شده تا آن زمان را از شرکت بگیرد؛ اما اگر تا زمان سررسید صبر کرد و خطر پوشش داده شده رخ نداد، فقط می‌تواند موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود را از سود تا آن زمان، درخواست کند؛

جدول ۲: بیمه عمر رایج در مقایسه با تکافل خانواده

تکافل	بیمه رایج	محور مقایسه
شرکت‌های تکافل اطلاعات را به صورت شفاف در اختیار تکافل‌شوندگان قرار می‌دهد و فعالیت‌ها و عملیات‌هایشان کاملاً شفاف‌تر از شرکت‌های بیمه رایج است.	در شرکت‌های بیمه رایج عدم افشاء و شفافیت وجود دارد (به جعبه سیاه تشبیه شده‌اند).	شفافیت و افشاء

تکافل	بیمه رایج	محور مقایسه
وجوه در ابزارهای شرعی که با مبانی مضاربه و وکالت و اجاره و... کار می‌کنند، سرمایه‌گذاری می‌شوند.	گاهی بعضی از شرکت‌ها وجوه را در امور و برنامه‌های غیر شرعی به کار می‌گیرند و از ابزارهای با بهره ثابت استفاده می‌کنند.	سرمایه‌گذاری وجوه
تکافل‌شونده می‌تواند در صورت بروز خطر همه تعهد تکافل‌گر (که از صندوق مخاطره پرداخت می‌شود)، تمامی موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود از سود کسب شده تا آن زمان را از شرکت بگیرد؛ اما اگر تا زمان سررسید صبر کرد و خطر پوشش داده شده، رخ نداد، فقط می‌تواند موجودی حساب مشارکت‌کننده و سهم خود را از سود تا آن زمان، درخواست کند.	بیمه‌گذاران در صورت بروز خطر کل پولی را که در بیمه‌نامه آمده است، می‌گیرند. اما در صورت عدم رخداد نمی‌توانند ادعا داشته باشند.	التزامات و منافع
اگر در تکافل کسی بخواهد خارج شود، تمام موجودی حساب شخصی او (حساب مشارکت‌کننده) به علاوه سهمش از کل سود تا آن موقع، به او بازپرداخت می‌شود و متصدی تکافل فقط یک مقدار ناچیز به خاطر راه‌اندازی شرکت و مدیریت وجوه از او کم می‌کند.	اگر بیمه‌گذار بخواهد قبل از سررسید، از بیمه خارج شود، شرکت بیمه به او مقداری پول - که از مجموع پرداختی‌های او به بیمه‌گر کمتر است - پرداخت خواهد کرد.	ارزش بازخرید
بین منافع بیمه‌گر و بیمه‌گذار تعارض وجود ندارد.	بین منافع بیمه‌گر و بیمه‌گذار تعارض وجود دارد.	توزیع مازاد و منافع
در بیشتر موارد، این قبیل تسهیلات برای شرکت‌کنندگان در برنامه‌های بیمه‌ای رایج وجود ندارد.	اعضا حق رأی و حق شرکت در مجمع عمومی برای انتخاب هیئت مدیره و نیز ملاحظه حساب‌های سالیانه و ترازنامه را دارند.	حق رأی و حق شرکت در مجمع عمومی

۴. ارزش بازخرید: اگر بیمه‌گذار در بیمه رایج، بخواهد قبل از سررسید، از بیمه خارج شود، شرکت بیمه به او مقداری پول - که از مجموع پرداختی‌های او به بیمه‌گر کمتر است - پرداخت خواهد کرد. اگر در تکافل، کسی بخواهد از پوشش شرکت تکافل خارج شود، تمام موجودی حساب شخصی او (حساب مشارکت‌کننده) علاوه بر سهمش از کل سود تا آن زمان به او بازپرداخت می‌شود و متصدی تکافل فقط یک مقدار ناچیز به خاطر طراحی و مدیریت وجوه از او کم می‌کند؛

۵. توزیع مازاد و منافع: در بیمه رایج بین منافع بیمه‌گر و بیمه‌گذار تعارض وجود دارد؛ اما در قرارداد تکافل، نه تنها تکافل‌شوندگان در مازاد شریک هستند، بلکه از تمام منافع حاصل از سرمایه‌گذاری نیز به نسبت سهمشان از کل حق تکافل سهم خواهند برد؛

۶. حق رأی و حق شرکت در مجمع عمومی: اعضای که حداقل حق بیمه تعیین شده را می‌پردازند، حق رأی و حق شرکت در مجمع عمومی برای انتخاب هیئت مدیره و نیز ملاحظه حساب‌های سالیانه و ترازنامه را دارند؛ اما در برنامه‌های بیمه‌های رایج در بیشتر موارد، این قبیل تسهیلات برای شرکت‌کنندگان وجود ندارد (چودری، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

الگوهای عملیاتی تکافل مبتنی بر مضاربه

تکافل تا حد زیادی شبیه به بیمه‌های تعاونی رایج است. این نوع بیمه‌ها شامل افرادی است که ریسک‌های خود را بر مبنای مشارکت میان یکدیگر تقسیم می‌کنند. در سال‌های اخیر، بازار تکافل به علت افزایش سطح آگاهی مشتریان از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است و این سبب شکل‌گیری چند مدل متفاوت بر مبنای عقود اسلامی شده است. هر یک از این مدل‌ها نشان‌دهنده مهارت، محیط، محدوده و حتی مکتب فکری متفاوت طراحان و استفاده‌کنندگان آن است. در عمل، دو الگوی وکالت و مضاربه، مهم‌ترین الگوهایی است که به صورت تجاری به کار گرفته شده است. شکل عملیاتی خود این دو الگو نیز در شرکت‌های مختلف متفاوت می‌باشد؛ اما مبانی، فرایند و نحوه کلی کار این الگوها یکسان است. در ادامه تحقیق، تکافل خانواده و تکافل عمومی که با الگوی مضاربه کار می‌کند، تشریح خواهد شد:

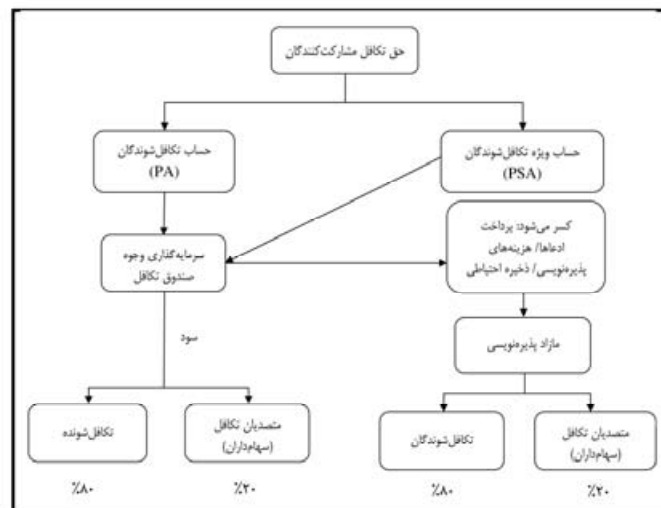
الف) تکافل خانواده

این الگو مبتنی بر میبانی می‌باشد، از جمله اینکه متصدی تکافل (صاحبان سهام شرکت) هزینه‌های راه‌اندازی فعالیت تجاری را تأمین می‌کند تا سهمی در بخشی از مازاد و سود سرمایه‌گذاری داشته باشد. این کار، بر اساس قرارداد مضاربه - که یک قرارداد تجاری اسلامی است - بین متصدی تکافل و تأمین‌کننده سرمایه (مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان) صورت می‌گیرد. مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان کسانی هستند که به منظور پوشش خود در برابر خطرهای احتمالی در این برنامه مشارکت می‌کنند؛ به عبارت روشن‌تر، در تکافل دو رکن وجود دارد: رکن اول، متصدی تکافل می‌باشد که موظف است عملیات مربوط به اداره شرکت تکافل را انجام دهد. رکن دوم، مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان هستند. این نوع از بیمه با بیمه‌های رایج که فرد یا شرکت خود را با پرداخت یک حق بیمه تا سقف مشخصی بیمه می‌کند، متفاوت است.

در تکافل خانواده، حق تکافل تکافل‌شوندگان به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش عمده این پول به حساب مشارکت‌کنندگان (PA)^۱ - که متعلق به آنهاست - منتقل می‌شود و بخش کوچک‌تر باقی مانده نیز به حساب ویژه تکافل‌شوندگان (PSA)^۲ واریز خواهد شد که این پول برای پرداخت ادعاها و هزینه‌های پذیره‌نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمام پول حساب‌های PA و PSA در ابزارهای مالی شرعی سرمایه‌گذاری می‌شود. متصدی و تکافل‌شونده در سود سرمایه‌گذاری پول حساب PA شریک هستند و این سود بر اساس نرخ‌های که از قبل بر آن توافق شده است، بین آنها تقسیم می‌شود. پول و سود حساب PSA برای پرداخت ادعاها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما گاهی ادعاها و هزینه‌های پذیره‌نویسی بیش از میزان پولی است که برای حساب PSA تجویز شده بود که در این مواقع، کسری به وجود آمده با برداشت از حساب PA یا پرداخت قرض‌الحسنه به تکافل‌شونده جبران خواهد شد.

1. Participants Account

2. Participants' Special Account



نمودار ۱: الگوی تکافل خانواده مبتنی بر مضاربه

(منبع: اختر، ۲۰۰۸، ص ۵۹)

در حالتی نیز که ادعاها و هزینه های پذیرش پذیره کمتر از میزان پولی است که برای حساب PSA تجویز شده بود، میزان باقی مانده (مازاد پذیرش پذیره) بین متصدی تکافل و تکافل شونده گان تقسیم خواهد شد. در الگوی تکافل مبتنی بر مضاربه، برای افزایش انگیزه متصدی در مدیریت کارآمدتر حساب های شرکت، او را در این مازاد پذیرش پذیره شریک می کنند.

نمودار ۱ جریان پول نقد را در الگوی تکافل خانواده مبتنی بر مضاربه که در شرکت سایاریکات تکافل مالزی اجرا می شود، نشان می دهد. بر این اساس، حق تکافل تکافل شونده گان به دو حساب PA و PSA منتقل می شود. حساب PSA حساب مدیریت ریسک است که برای پرداخت ادعاها مورد استفاده قرار می گیرد و حساب PA نیز متعلق به تکافل شونده گان است. بخش عمده حق تکافل تکافل شونده گان به حساب PA واریز می شود و بقیه نیز به حساب PSA منتقل می شود (برای مثال، ۸۰ درصد حق تکافل به حساب PA و ۲۰ درصد به حساب PSA منتقل می شود). پول هر دو حساب به طور مشترک در ابزارهای شرعی سرمایه گذاری می شود و سود این سرمایه گذاری به نسبت میزان سرمایه اولیه حساب ها میان آنها تقسیم می شود. مازاد نیز متعلق به همه سرمایه گذاران است که متصدی تکافل هم بر اساس نرخ از قبل توافق شده در آن سهم است. در پایان مدت قرارداد، همه پول حساب PA به همراه سود آن به صورت یکجا به تکافل شونده گان داده خواهد شد.

جدول ۳ که در ادامه می‌آید، نمونه‌ای کاربردی از نحوه جریان پول نقد سال اول فعالیت شرکت تکافل را - که بر اساس الگوی مضاربه کار می‌کند - نشان می‌دهد. در این مثال، شرکت در سال اول، ۱۰۰ هزار واحد حق تکافل جمع‌آوری می‌کند که بر اساس نرخ ۸۰ و ۲۰ درصد، ۸۰ هزار واحد آن به حساب PA و ۲۰ هزار واحد آن به حساب PSA واریز می‌شود. تمام این ۱۰۰ هزار واحد با هم در ابزارهای اسلامی و شرعی سرمایه‌گذاری می‌شود که سود آن نیز بر اساس همین نسبت مشارکت ۸۰ و ۲۰ به دو حساب تعلق خواهد داشت. فرض کنید که سرمایه‌گذاری شرکت، ۱۰ درصد سود داشته است؛ بنابراین، ۸ هزار واحد از این سود به حساب PA و ۲ هزار واحد نیز به حساب PSA می‌رسد. با اضافه شدن این سود به حساب‌ها، میزان پول حساب PA به ۸۸ هزار واحد و حساب PSA به ۲۲ هزار واحد خواهد رسید. برای سال اول، نرخ ادعا (خسارت) ۱۰ درصد و هزینه‌های پذیرهنویسی نیز ۵ هزار واحد در نظر گرفته می‌شود؛ مازاد موجود به میزان ۷ هزار واحد بین همه تکافل‌شوندگان و متصدی تکافل بر اساس نرخ از قبل تعیین شده تقسیم خواهد شد. برای مثال، ۸۰ درصد مازاد (۵,۶ هزار واحد) به حساب PA و ۲۰ درصد دیگر (۱,۴ هزار واحد) به حساب PSA واریز خواهد شد. پس از اضافه کردن سهم تکافل‌شونده، مبلغ موجود در حساب PA به ۹۳,۶ هزار واحد می‌رسد. حساب PA، حساب افتتاحی سال دوم خواهد بود.

جدول ۳: برنامه تکافل خانواده (سال اول)

مجموع حق تکافل: ۱۰۰۰۰۰ واحد بازده سرمایه‌گذاری: ۱۰٪	
سود (۱۰٪): ۸۰۰۰ واحد	سهم حساب تکافل: ۸۰۰۰۰ واحد (۸۰٪)
مجموع پول: ۸۸۰۰۰ واحد	سهم حساب ویژه تکافل: ۲۰۰۰۰ واحد (۲۰٪)
کسر می‌شود:	سود (۱۰٪): ۲۰۰۰ واحد
پرداخت ادعاها (۱۰٪): (۱۰۰۰۰ واحد)	مجموع پول: ۲۲۰۰۰ واحد
هزینه‌های پذیرهنویسی: (۵۰۰۰ واحد)	
مازاد: ۷۰۰۰ واحد	
حق تکافل مشارکت‌کنندگان (۸۰٪): ۵۶۰۰ واحد	
انباشت به حساب تکافل: ۹۳۶۰۰ واحد = ۸۸۰۰۰ + ۵۶۰۰	

جدول ۴، نمونه عملیاتی برای جریان پول نقد الگوی تکافل مبتنی بر مضاربه را در سال دوم نشان می‌دهد. فرایند جریان حق تکافل‌ها مثل همان سال اول است و تنها تفاوتش آن است که آنچه در پایان سال اول باقی مانده (۹۳،۶ هزار واحد) به علاوه سود آن (که در طول سال دوم حاصل شده) به حساب PA منتقل می‌شود؛ بنابراین، همه پول صندوق PA به میزان ۱۹۶،۵۶ هزار واحد در پایان سال دوم خواهد رسید.

جدول ۵، نمونه‌ای عملیاتی برای جریان پول نقد الگوی تکافل مبتنی بر مضاربه را در سال سوم نشان می‌دهد. فرایند جریان حق تکافل‌ها مثل همان سال اول است و تنها تفاوتش آن است که آنچه در پایان سال دوم باقی مانده (۱۹۶،۵۶ هزار واحد) به علاوه سود آن (که در طول یک سال سوم حاصل شده) به حساب PA منتقل می‌شود؛ بنابراین، همه پول صندوق PA به میزان ۳۰۹،۸۱۶ هزار واحد در پایان سال سوم خواهد رسید.

جدول ۴: برنامه تکافل خانواده (سال دوم)

مجموع حق تکافل: ۱۰۰۰۰۰ واحد	
بازده سرمایه‌گذاری: ۱۰٪	
سهم حساب تکافل: ۸۰۰۰۰ واحد (۸۰٪)	سهم حساب ویژه تکافل: ۲۰۰۰۰ واحد (۲۰٪)
سود (۱۰٪): ۸۰۰۰ واحد	سود (۱۰٪): ۲۰۰۰ واحد
مجموع پول: ۸۸۰۰۰ واحد	مجموع پول: ۲۲۰۰۰ واحد
کسر می‌شود:	
پرداخت ادعاها (۱۰٪): (۱۰۰۰۰ واحد)	
هزینه‌های پذیره‌نویسی: (۵۰۰۰ واحد)	
مازاد: ۷۰۰۰ واحد	
حق تکافل مشارکت‌کنندگان (۸۰٪): ۵۶۰۰ واحد	
۵۶۰۰ واحد	
پول حساب تکافل در سال دوم: ۹۳۶۰۰ واحد	
تعادل در حساب تکافل: ۹۳۶۰۰ واحد	
سود سال دوم (۱۰٪): ۹۳۶۰ واحد	
انباشت به حساب تکافل: ۱۹۶۵۶۰ واحد	

جدول ۵: برنامه تکافل خانواده (سال سوم)

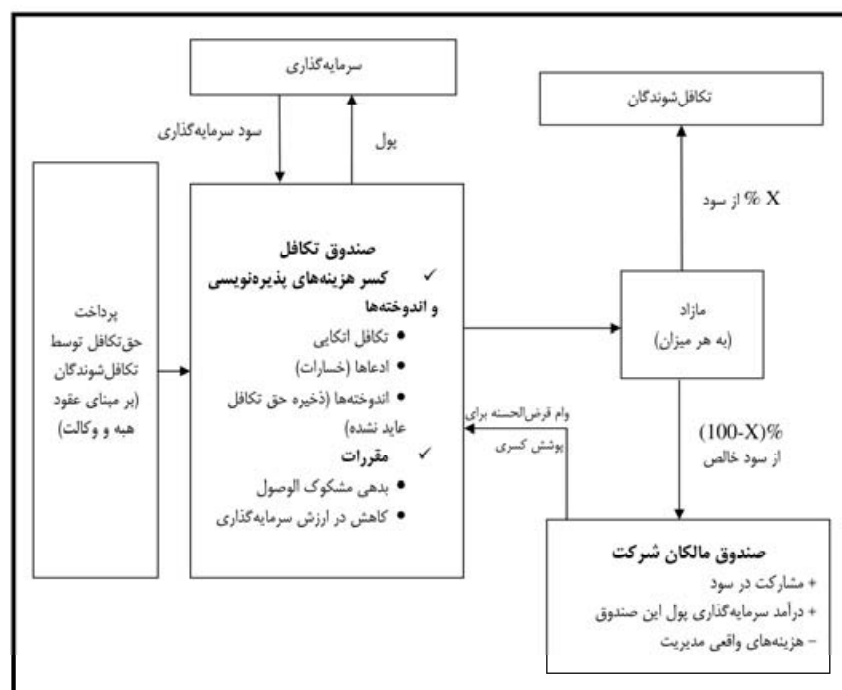
مجموع حق تکافل: ۱۰۰۰۰۰ واحد بازده سرمایه‌گذاری: ۱۰٪	
سود (۱۰٪): ۲۰۰۰۰ واحد (۲۰٪) مجموع وجوه: ۲۲۰۰۰ واحد کسر می‌شود: پرداخت ادعاها (۱۰٪): (۱۰۰۰۰ واحد) هزینه‌های پذیره‌نویسی: (۵۰۰۰ واحد) مازاد: ۷۰۰۰ واحد حق تکافل مشارکت‌کنندگان (۸۰٪): ۵۶۰۰ واحد	سهم حساب تکافل: ۸۰۰۰۰ واحد (۸۰٪) سود (۱۰٪): ۸۰۰۰ واحد مجموع پول: ۸۸۰۰۰ واحد ۵۶۰۰ واحد پول حساب تکافل در سال سوم: ۹۳۶۰۰ واحد تبادل در حساب تکافل: ۱۹۶۵۶۰ واحد سود سال سوم (۱۰٪): ۱۹۶۵۶ واحد انباشت به حساب تکافل: ۳۰۹۸۱۶ واحد

از نمونه تبیین شده بالا می‌توان دریافت که مازاد به هر میزان که باشد، بعد از محاسبه تمامی ریسک‌هایی که حساب PA با آنها روبه‌رو است، در حساب PA باقی خواهد ماند؛ بنابراین، هر ساله پول حساب PA افزایش می‌یابد. چنانچه تا قبل از سررسید دوره، تکافل‌شونده دچار خسارت شود، خسارت او از حساب PSA پرداخت خواهد شد؛ این در حالی است که تکافل‌شونده حق استفاده از حساب PA را دارد.

ب) تکافل عمومی

در این نوع از تکافل، نیز متصدی هزینه‌های راه‌اندازی فعالیت تجاری را تأمین می‌کند تا سهمی در بخشی از مازاد و سود سرمایه‌گذاری داشته باشد. این کار بر اساس قرارداد مضاربه که یک قرارداد تجاری و اسلامی است، بین متصدی تکافل و تأمین‌کننده سرمایه (مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان) انجام می‌شود. در این نوع پوشش نیز

مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان کسانی هستند که به منظور پوشش خود در برابر خطرهای احتمالی با متصدی تکافل قرارداد می‌بندند. همان‌طور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، در این نوع پوشش تکافلی، تکافل‌شوندگان حق تکافل خود را به صندوق تکافل شرکت تکافل هبه می‌کنند.



نمودار ۲: الگوی تکافل عمومی مبتنی بر مضاربه

(منبع: ترمیزی، ۲۰۰۸، ص ۲۵)

شرکت نیز که وکیل تکافل‌شوندگان در اداره پول است، این پول هبه شده را به این صورت مدیریت می‌کند، که هزینه‌های پذیره‌نویسی و اندوخته‌ها را در طول دوره از صندوق تکافل کم می‌کند. این هزینه‌ها، شامل پرداخت حق تکافل‌انگایی، پرداخت خسارت‌های تکافل‌شوندگان (ادعاها) و ذخیره مربوط به حق تکافل عاید نشده^۱ می‌باشد. بر اساس مقررات، بخش دیگری از این پول برای جبران مطالبات مشکوک الوصول و قسمتی نیز برای کاهش احتمالی ارزش سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود.

1. unearned premium reserve

متصدی تکافل می‌تواند به منظور کسب سود بیشتر برای تکافل‌شوندگان و خود، پول صندوق تکافل را سرمایه‌گذاری کند که سود این سرمایه‌گذاری به همین صندوق واریز خواهد شد.

اگر پول صندوق تکافل برای پوشش این موارد، کافی نباشد، بر اساس شرط ضمن عقد تکافل میان متصدی تکافل و تکافل‌شوندگان، متصدی تکافل موظف است تا به میزان کافی به این صندوق وام قرض‌الحسنه بدهد.

چنانچه در پایان دوره در صندوق تکافل چیزی باقی مانده باشد، این مازاد بین تکافل‌شوندگان و متصدی تکافل (بر اساس نرخ از پیش توافق شده) تقسیم خواهد شد.

تحلیل فقهی عقد تکافل

قراردادی که با عنوان تکافل طراحی شده، مشتمل بر تعدادی از عقود معین و معهود در زمان شارع است که عبارت است از: مضاربه، هبه، قرض الحسنه. از مجموعه این عقود، هدف اصلی حاصل می‌شود که عبارت از تأمین در مقابل خطرات مالی احتمالی است؛ بنابراین، گرچه در عقد تکافل از این سه نوع عقد استفاده شده است، ولی هدف آن با اهداف هر سه عقد به تنهایی متفاوت است؛ یعنی این قرارداد، با مضاربه که هدف از آن، صرفاً رسیدن به سود سرمایه‌گذاری است و هبه که مقصود از آن، بخشش مالی بدون عوض به شخص است و قرض که تملیک مال در مقابل بدل آن می‌باشد، تفاوت دارد. گرچه هدف اصلی تکافل با ترکیب این سه عقد حاصل شده است و بنا بر قاعده «العقود تابعة للمقصود»، علاوه بر اینکه عقد بدون قصد باطل است، عقد از نظر نوع کم، کیف و شرایط آن نیز تابع قصد متعاقدان است (مکارم شیرازی، به نقل از بنی‌هاشمی، ۱۴۲۴ق، ص ۳۶۷). بنابراین، در این قرارداد، قصد اصلی متعاقدين، ایجاد تأمین در مقابل خطرات احتمالی است، تا ضمن بهره‌مندی از سود سرمایه‌گذاری خود به این هدف نیز برسند.

بنابراین، لازم است در این قرارداد، متعاقدان از شرایط عمومی از جمله بلوغ، عقل، اختیار، رشد و عدم فلس برخوردار باشند و شرایط خاص قراردادهای مضاربه، هبه و قرض، نیز بر آن حاکم باشد. در ادامه، این شرایط را بررسی نموده و سپس آنها را بر این قرارداد تطبیق می‌دهیم.

عقد مضاربه

مضاربه، در لغت از «ضرب» مشتق شده است و به معنای مسافرت عامل در زمین (ضرب فی الارض) برای تحصیل سود است و کاربرد صیغه «مفاعله» به اعتبار سبب بودن مالک و مباشر بودن عامل در تحصیل سود است. قراض نیز که در فرهنگ اهل عراق به معنای مضاربه است، به معنای قطع می‌باشد؛ یعنی سرمایه‌گذار بخشی از مال خود را جدا نموده و آن را برای تجارت در اختیار عامل قرار می‌دهد.

مضاربه در اصطلاح عبارت است از اینکه انسان مالی را به دیگری به منظور تجارت بپردازد تا اینکه هر چه خداوند روزی نمود، بین آن دو تقسیم شود (القاضی بن براج، ۱۴۰۶، ص ۴۶۰).

در تعریف دیگر، مضاربه این است که انسان مالی را به دیگری بپردازد تا آنکه در مقابل قسمتی از سود، در آن سرمایه، کار و فعالیت نماید (الفاضل الآبی، ۱۴۱۰، ص ۱۲؛ شهید اول، ۱۴۱۱، ص ۱۳۰؛ ابن‌فهد، ۱۴۱۱، ص ۵۵۳؛ محقق حلی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۵).^۱

گرچه تعریف دوم از بسیاری از فقها نقل شده است؛ ولی با توجه به اینکه در تعریف اول به موضوع مضاربه اشاره شده که تجارت می‌باشد، دقیق‌تر به نظر می‌رسد. همان‌گونه که این نکته در تعریف عده‌ای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است (محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ۶۲۴؛ محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ص ۲۰۵).

عقد مضاربه از عقود جایز است که طرفین قرارداد می‌توانند در هر زمان اقدام به فسخ معامله نمایند؛ بنابراین، چنانچه زمان مشخصی را برای اتمام قرارداد معین نمایند، الزام‌آور نخواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۳۸۱؛ فاضل آبی، ۱۴۱۰، ص ۱۲؛ شهید اول، ۱۴۱۱، ص ۱۳۰؛ ابن‌فهد، ۱۴۱۱، ص ۵۵۳؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ص ۶۲۵؛ محقق بحرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۵). صاحب‌جوهر این نظریه را اجماعی می‌داند (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۱). البته اشتراط چنین شرطی صحیح است، گرچه الزام‌آور نیست و قبل از رسیدن زمان قرارداد، حق فسخ معامله را خواهند داشت و اثر آن، منع از تصرف عامل و سپس در سرمایه سرمایه‌گذار است (همان).

ظاهراً نظریه خلافی در این مورد تا قبل از صاحب‌جوهر دیده نمی‌شود و همان طوری که بیان شد، ایشان این مسئله را اجماعی می‌داند؛ ولی مرحوم طباطبایی در عروه،

۱. هی ان یدفع الانسان الی غیره مالا لیعمل فیہ بحصة من ربحه.

۲. هی عقد شرع لتجارة الانسان بمال غیره بحصة من الربح.

گرچه اشتراط «أجل» را الزام آور نمی‌داند، ولی اشتراط عدم فسخ را واجب الوفاء می‌داند و در مقابل نظریه مشهور که چنین شرطی را خلاف مقتضای عقد و باطل می‌دانند، ایشان این شرط را خلاف اطلاق عقد دانسته و عموم «المؤمنون عند شروطهم» را مستلزم وفای به آن می‌داند. البته اگر اشتراط عدم فسخ در ضمن عقد لازم دیگری شرط شود، اشکالی در صحت و لزوم آن نخواهد بود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۸).

ایجاب و قبول، عین بودن، معلوم و معین بودن سرمایه، مسکوک بودن طلا و نقره، تقسیم سود به صورت کسر مشاع، تجاری بودن موضوع آن و تقسیم سود بین عامل و سرمایه‌گذار از شرایط اساسی قرارداد مضاربه است (ر.ک. همان، ص ۱۴۱).

از میان این شرایط، تقسیم سود به صورت کسر مشاع از ارکان اصلی عقد مضاربه است، به گونه‌ای که اگر مقدار ثابتی برای عامل یا مالک در نظر گرفته شود، از قرارداد مضاربه خارج شده و با عنوان بضاعة، «در فرض در نظر مقدار ثابت برای عامل» و یا قرض ربوی، «در صورت در نظر گرفتن مقدار ثابت برای مالک و تحقق قصد آن» در می‌آید (همان). این اصل که با عنوان مشارکت در سود و زیان مطرح می‌شود، بر اساس قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» (سید بحر العلوم، ۱۳۶۲، ص ۱۷۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۵۶؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ص ۴۳۶) می‌باشد. این قاعده به عنوان ملاک اصلی در عقود مشارکتی، از جمله مضاربه است.

شرط دیگر، اشتراط کسب سود از راه عملیات تجاری است که ظاهراً در قرارداد تکافل این شرط رعایت می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد که تعمیم مورد قرارداد به غیر از موارد تجاری از چند راه امکان‌پذیر باشد:

راه اول: استناد به اقوال فقهایی که به توسعه قلمروی عقد مضاربه به همه بخش‌های اقتصادی قائل هستند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۴۴۴). بر اساس این نظریه، در مضاربه شرط نیست که سرمایه‌گذاری برای امور تجاری باشد؛ بلکه سرمایه‌گذاری می‌تواند در امور تولید «صنعتی، کشاورزی، دامداری و غیره» باشد (مکارم شیرازی، به نقل از بنی‌هاشمی، ۱۴۲۴، ص ۳۰۲)؛ بنابراین، نظریه تعمیم مورد مضاربه به همه نوع فعالیت‌هایی که سودآوری دارد، جایز خواهد بود و متعاقدان در سود فعالیت‌های تجاری، تولیدی و غیره شریک خواهند بود.

راه دوم: این راه که تفاوت ماهوی با راه اول ندارد؛ انعقاد قرارداد از راه عقد شرکت است. مشارکت می‌تواند در فعالیت‌های تجاری باشد که نوع خاصی از مشارکت است

و با عنوان مضاربه قرار می‌گیرد یا در فعالیت‌های تولیدی باشد. در حالت اول، متعاقدان در سود و در حالت دوم، در محصول نهایی شریک خواهند بود. مصداق حالت دوم در صدر اسلام در زمان حضور معصومین - علیهم‌السلام - قرارداد مزارعه و مساقات بوده است و در حال حاضر، محدوده فعالیت‌های تولیدی به امور صنعتی، پروژه‌ای ساختمانی و غیره گسترش یافته است؛ ولی به نظر می‌رسد که ضابطه اصلی در شرکت‌های تولیدی، همان مشارکت در تولید نهایی بر مبنای توافق اولیه است.

راه سوم: این راه، انعقاد قرارداد از راه عقد وکالت است؛ به گونه‌ای که سازمان تکافل اختیار انعقاد قرارداد از هر راه سودآوری را دارد. بنابراین، خود این سازمان می‌تواند سرمایه موجود را به کار ببرد و یا اینکه با انعقاد قراردادهای مشارکتی به افزایش سرمایه خود اقدام کنند.

در میان شرایط مضاربه، آنچه در کتاب‌ها مشاهده می‌شود، درهم و دینار بودن (طلا و نقره مسکوک) سرمایه در مضاربه است که به نظر می‌رسد با لحاظ این شرط، موضوع مضاربه در شرایط فعلی منتفی باشد؛ چرا که پول‌های اعتباری جایگزین طلا و نقره مسکوک شده است. صاحب عروه مستند این قول را فقط اجماع بیان می‌کند و این دلیل را قابل تأمل می‌داند؛ زیرا عمومات ادله، انعقاد مضاربه با مطلق سرمایه نقدی را شامل می‌شود، گرچه ایشان احتیاط را مقتضی عمل به نظریه اجماعی می‌داند (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ص ۱۴۸).

این نظریه توسط متأخرین مردود شده است. به نظر می‌رسد، آنچه که مورد توجه قانونگذار برای تعیین درهم و دینار به عنوان موضوع مضاربه بوده، نقد رایج است، که در شرایط زمانی ائمه (ع) مصداق آن درهم و دینار می‌باشد. تأکید بر درهم و دینار بودن سرمایه در مضاربه، در مقابل دین بودن آن و خرید و فروش کالای خالص است؛ یعنی سرمایه در مضاربه نمی‌تواند دین باشد. خرید و فروش کالای خاص نیز از موضوع مضاربه خارج است و با عنوان جعاله، اجاره و یا وکالت می‌تواند مطرح باشد؛ یعنی در این صورت، فروشنده، اجرت یا حق‌الوکاله خود را که مقدار ثابتی است، دریافت می‌کند.

هبه

این قرارداد مشتمل بر عقد هبه نیز می‌باشد. در قالب قرارداد هبه، تملیک مجانی تحقق می‌یابد که همراه با قصد قربت نیست (شهید اول، ۱۴۱۴، ص ۲۸۳)، برخی در تعریف

خود، تعبیر تملیک منجز را به کار برده‌اند که از تملیک معلق بر مرگ که وصیت نامیده می‌شود، تمیز داده می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۵، ج ۵). پذیرفتن هبه از شرایط صحت آن از نظر همه عقلاء و فقها می‌باشد (سبزواری، ۱۴۱۳، ص ۲۶۰). سید یزدی (ره) با بیان اجماعی بودن این نظریه از دیدگاه علامه حلی در تذکره و / یا صاحب، شرط بودن پذیرش هبه را نظر مشهور می‌داند و نظر غیر مشهور را تأثیر پذیرش در لزوم عقد می‌داند (طباطبایی یزدی، [بی تا] ج ۱، ص ۱۶۳). هبه از عقود جایز است، مگر اینکه مورد هبه از بین رفته باشد، یا به محارم هبه داده شده باشد و یا همراه با قصد قربت باشد. صاحب جوهر با توجه به زیاد بودن موارد استثناء این نظریه را که اصل را در این عقد، لزوم بدانیم و موارد جواز را استثناء نماییم، بهتر می‌داند. از نظر صاحب عروة این نظریه قابل خدشه است (ر.ک: همان، ص ۱۷۰).

قرض

قرض را مالی دانسته‌اند که در نتیجه قراردادی به فرد دیگری داده می‌شود و در عوض، مثل آن به ذمه قرض گیرنده می‌آید (ابن حمزة طوسی، ۱۴۰۸، ص ۲۷۲)؛ به بیان دیگر، قرض تملیک مال به دیگری به شرط ضمان است؛ به این صورت که قرض گیرنده متعهد می‌شود که خود آن مال یا مثل و یا قیمت آن را بپردازد. به کسی که مال خویش را تملیک دیگری می‌کند، «مقرض» و به کسی که آن را می‌گیرد، «مقترض» یا «مستقرض» گویند (امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۵۲) قرض، عمل پسندیده‌ای است که شارع آن را برای برآوردن نیاز محتاجان تشریع نموده است و مقترض موظف است که عوض آن را رد نماید که غالباً در غیر مجلس عقد، اتفاق می‌افتد. امام صادق (ع) به این قرارداد نسبت معروف داده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۷، ص ۳۱۸).

مسئله حرمت قرض و تحقق ربا در صورت شرط زیاده در ضمن عقد قرض و عدم حرمت گرفتن زیاده در صورت عدم اشتراط، مورد تأکید فقها بر اساس روایات وارده در این زمینه است (ر.ک. حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۳۵۳-۳۵۹) قرار گرفته است. شیخ طوسی (۱۴۰۷، ص ۱۷۴) می‌فرماید: «می‌توان از دیگری قرض گرفت و بهتر از آن را به او بدون شرط برگرداند». برخی از اهل تسنن بین اینکه پرداخت زیاده جزء عرف و عادت باشد یا نباشد، تفصیل داده‌اند و حالت اول را بدون اشکال می‌دانند؛ ولی مرحوم شیخ طوسی (همان) و شافعی‌ها تفصیلی بین این دو حالت قائل نشده‌اند و هر دو را

حرام می‌دانند. علامه حلی ([بی‌تا] ص ۲۰۰) در تحریر می‌فرماید: «در صورت قرض دادن، اعاده مثل واجب است و اگر در قرض شرط زیاده شود، حرام است؛ چه زیاده عینی باشد و یا از جهت اوصاف بهتر باشد و اگر بدون اشتراط بازگرداندن قرض با افزایش کمی یا کیفی همراه باشد، اشکالی ندارد؛ چه عرف مقتضی بازپرداخت زیاده باشد و یا نباشد. به هر حال، اینکه در عرف بازپرداخت قرض با زیاده همراه باشد، به معنای اشتراط آن ضمن عقد قرض نیست و اشکالی ندارد.

صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۵، ص ۱۱۱) می‌فرماید: «در بین فقهای امامیه اختلافی در تحریم اشتراط نفع در قرض نیست، بلکه بعضی از محققان متأخر، اجماع مسلمانان را بر آن دانسته‌اند». بالاخره شهید صدر (۱۴۲۰، ص ۵۷۶) حرمت قرض ربوی را از ضروریات شرع اسلام می‌داند.

تطبیق

تکافل خانواده: در تکافل خانواده، تکافل‌شوندگان سرمایه‌ای در اختیار شرکت تکافل قرار می‌دهند و متصدیان تکافل نیز این سرمایه را به نسبت خاصی در حساب PA یا PSA برای اهداف شرکت تکافل قرار می‌دهند. متصدیان با این سرمایه کار کرده و به نسبت تعیین شده، سود را بین خود تقسیم می‌کنند. البته اگر متصدیان تکافل خود نیز سرمایه‌ای را برای فعالیت جاری فراهم نمایند، نوع مشارکت، شرکت عنان خواهد بود و از عنوان مضاربه که سرمایه تنها از طریق سرمایه‌گذار می‌باشد، خارج خواهد شد. که به نظر می‌رسد در ماهیت عمل تفاوتی وجود نداشته باشد؛ زیرا در هر حال، سود بر اساس توافق انجام شده به صورت کسر مشاع خواهد بود و چون سود ثابتی برای یکی از طرفین در نظر گرفته نمی‌شود، با مبانی شرعی، سازگاری دارد. توسعه فعالیت‌های شرکت به هر نوع فعالیت سودآور نیز بر اساس مبانی‌ای که در بخش قبلی توضیح داده شد، امکان‌پذیر است.

بخش دیگر کار، تخصیصی از سود و احیاناً سرمایه موجود در PSA به کسانی است که در نتیجه وقوع حادثه‌ای دچار خسارت شده و شرکت تکافل پرداخت آن را به عهده گرفته است. برای تخصیص این مال به خسارت‌دیدگان، تکافل‌شوندگان (که مالک دارایی موجود در صندوق تبرع (PSA) می‌باشند)، به متصدیان تکافل، وکالت می‌دهند که بخشی از سرمایه و سود آنها را به افراد نیازمند هبه نماید که این عمل نیز با توجه

به وجود شرایط هبه با مشکل شرعی روبه‌رو نخواهد بود. در پایان سال نیز سرمایه باقی مانده پس از پرداخت ادعاها با توجه به اینکه متعلق به افراد است، به تکافل‌شوندگان پرداخت خواهد شد. البته در صورت کسری موجودی خسارت دیده در صندوق PA، از سرمایه و سودی که در جریان فعالیت‌های اقتصادی به دست آمده، برداشت خواهد شد و در صورت نیاز بیشتر، از طرف شرکت تکافل، قرض الحسنه به این افراد پرداخت خواهد شد.

تکافل عمومی: در تکافل عمومی، تخصیص سرمایه به شرکت تکافل از طریق عقد هبه صورت می‌گیرد. شرکت با این وجوه کار نموده و سود نیز به صندوق برگردانده می‌شود و چون شرکت تکافل، خود عامل تجارت است، سهمی از سود را به بر مبنای توافق انجام شده برداشت خواهد نمود؛ بنابراین، بیشتر کار شرکت بر اساس مضاربه یا شرکت و عقد هبه است.

گرچه انسان با قرارداد هبه - چنانچه در بخش قبلی اشاره شد - مال را از مالکیت خود خارج و به صندوق تکافل هبه می‌کند و در جریان عقد هبه رابطه واهب با مال موهوب له قطع می‌شود؛ ولی با توجه به اینکه پول هبه شده، به صندوق تکافل که یک شخصیت حقوقی است، هبه می‌شود؛ پس موجودی متعلق به همه افرادی است که عضو صندوق می‌باشند و چون هبه‌کننده نیز از جمله آنان است، اموال موجود در صندوق به او نیز تعلق خواهد داشت و در نتیجه، در سود سرمایه‌گذاری شریک خواهد بود. با توجه به اینکه حیثیت شرکت (که یک شخصیت حقوقی است)، با حیثیت افراد به تنهایی، متفاوت است، شبهه اتحاد متعاقدين مطرح نخواهد شد. شبیه این مسئله، وقف بر جهت در فقه امامیه است. که اگر واقف نیز از جهت مورد وقف، جزء موقوف علیهم باشد، از نظر مشهور فقهای امامیه بدون اشکال می‌باشد. شهید ثانی (ره) (۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۶۴). در بحث از صحت وقف بر کسانی که واقف در حال وقف جزء موقوف علیهم می‌باشد یا بعداً جزء آنها می‌شود می‌گوید: «در این حالت، در واقع وقف بر جهت می‌باشد؛ زیرا واقف برای مثال در وقف بر فقراء و مساکین، جهت فقر و مسکنت را منظور می‌دارد و قصد او از چنین وقفی منتفع شدن کسانی است که متصف به این صفت می‌باشند و شخص معینی مورد نظر او نیست. در صحت مشارکت بین اینکه واقف در حال وقف جزء متصفان به جهت وقف باشد یا اینکه بعداً جزء آن دسته شود، وجود ندارد».

صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۹، ص ۳۵۳) نیز با پذیرش همین قول، این نظریه را قول مشهور بین فقهای امامیه می‌داند و به نقل از شیخ طوسی در مبسوط، این قول را اجماعی می‌داند.

چنانچه مقررات شرکت، شراکت فرد جدید در اموال شرکت باشد، در صورت عضویت فرد جدید، با قراردادی که با شرکت می‌بندد، او هم در اموال شرکت، شریک خواهد بود.

البته اگر آنچه در تکافل خانواده مطرح شده در تکافل عمومی نیز جریان یابد، مشکلی نخواهد داشت؛ یعنی افراد سرمایه را از طریق قرارداد مضاربه در اختیار شرکت قرار دهند و سپس متصدیان شرکت از طرف اعضا «وکیل مستند تا سرمایه و سود شرکت را در کارهای مورد نظر هزینه نماید».

تفاوت تکافل عمومی و خانواده در تخصیص منابع است که در تکافل خانواده از طریق مضاربه و در تکافل عمومی از طریق هبه صورت می‌گیرد و موهوب‌له که به همه اعضای شرکت تکافل تعلق دارد، در فعالیت‌های سودآور مورد استفاده قرار می‌گیرد و سود بین متصدیان تکافل و تکافل‌شوندگان تقسیم می‌شود.

عقد دیگری که در ضمن قرارداد تکافل منعقد می‌گردد، عقد قرض است که ظاهراً توسط شرکت تکافل به افرادی که سود مضاربه و کمک‌های صندوق تبرع نتوانسته نیازهای آنها را برآورده کند، پرداخت می‌شود، در این قرارداد نیز باید علاوه بر شرایط عمومی، شرایط خاص قرض، خصوصاً مسئله ربا مورد توجه قرار گیرد و شرکت تکافل که ظاهراً از بودجه خود که ناشی از سهم المشاركة قرارداد مضاربه، به قرض الحسنه پرداخت می‌نماید، نباید پولی اضافه بر آنچه به قرض گیرنده می‌دهد، از او دریافت نماید.

عقود مضاربه و هبه که عقود اصلی تکافل است، جزء عقود جایز می‌باشند؛ ولی همان‌گونه در بخش فقهی آوردیم، بنا بر نظریه عده‌ای اشتراط عدم فسخ تا زمان معینی الزام‌آور خواهد بود. البته با توجه به بررسی انجام شده، در قراردادی که بین متصدیان تکافل با تکافل‌شوندگان منعقد می‌شود، حق فسخ قرارداد وجود دارد و تکافل‌شوندگان در صورت تمایل می‌توانند، به همکاری خود با سازمان تکافل پایان دهند.

نتیجه‌گیری

سازمان تکافل با همان اهداف شرکت بیمه تشکیل شده که هدف اصلی آن، پوشش خسارت‌های احتمالی در زندگی است. برای رسیدن به این هدف از عقود معین، مانند مضاربه، هبه، قرض و وکالت بهره برده شده است. بنابراین، گرچه کلیت تکافل با توجه به اهداف خاصی که دارد، در چارچوب یکی از عقود معین به تنهایی قرار نمی‌گیرد، ولی برای رسیدن به هدف تأمین، از مجموعه‌ای از این عقود بهره‌برداری شده است؛ بنابراین، متعاقدان در این قرارداد، باید شرایط عمومی قراردادها را دارا بوده و قرارداد از شرایط عقود معین مورد استفاده در آن، برخوردار باشد. با بررسی صورت گرفته به نظر می‌رسد که این سازمان از نظر مسائل فقهی با مشکلی روبه‌رو نبوده و با توجه به اینکه مازاد بر ادعا و هزینه‌ها به افراد و تکافل‌شوندگان تعلق دارد، از بیمه‌های معمول به عدالت نزدیک‌تر است. البته طراحی و ایجاد این نوع تشکیلات در کنار بیمه مرسوم و در نهایت، جایگزین نمودن آن به جای شرکت‌های بیمه نیازمند اطلاعات بیشتر از این شرکت‌ها و تحقیق فقهی و تخصصی بیشتری است.

منابع

- ابن حمزة الطوسي (۱۴۰۸ق)، *الوسيلة*، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
- ابن فهد الحلبي (۱۴۱۱ق)، *المهذب البارع*، ج ۲، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهيم (۱۴۰۵ق)، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- بنی‌هاشمی خمینی، سید محمد حسین (۱۴۲۴ق)، *توضیح المسائل*، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی.
- چودری، محمدصادق (۱۳۸۷)، «بیمه اسلامی (تکافل) مفاهیم و کاربرد»، ترجمه حبیب میرزایی، *فصلنامه صنعت بیمه*، سال چهاردهم، نشریه بیمه مرکزی ایران.
- حسینی مراغی (۱۴۱۸ق)، *العناوین الفقهية*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی ([بی تا]) *تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية*، ج ۱، بی جا.
- خمینی، امام روح الله (۱۴۰۹ق)، *تحریر الوسيلة*، ۲ جلد، قم: مؤسسة اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۲۱ق)، *کتاب البيع*، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق)، *مهذب الأحكام في بيان الحلال والحرام*، ج ۲۱، قم: دفتر آية الله سبزواری.
- سید بحر العلوم (۱۳۶۲)، *بلغة الفقيه*، ج ۱، تهران: مكتبة الصادق.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۱ق)، *اللمعة الدمشقية*، ج ۳، قم: منشورات دار الفكر.
- _____ (۱۴۱۷ق)، *الدروس الشرعية في الفقه الامامي*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- شهید ثانی (۱۴۱۴ق)، *مسالك الأفهام*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۸)، *حاشیه المکاسب*، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- _____ (۱۴۲۰ق)، *العروة الوثقی*، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۱۹ق) *ریاض المسائل*، ج ۹، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق) *الخلاف*، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عسگری، محمد مهدی و حمیدرضا، اسمعیلی گیوی (۱۳۸۷)، *صنعت تکافل: ویژگی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو*، تهران: نخستین همایش مالی اسلامی.
- _____ (۱۳۸۸)، «تحلیل نظری مقایسه‌ای ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافلی اسلام و بیمه‌های متعارف»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۲.
- فاضل الآبی (۱۴۱۰ق)، *کشف الرموز*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- قاضی بن البراج (۱۴۰۶ق) *المهذب*، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- محقق بحرانی (۱۳۶۳)، *الحقائق الناضرة*، ج ۲۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- محقق حلی (۱۴۰۳) *شرایع الإسلام*، ج ۲، قم: انتشارات استقلال.
- _____ (۱۴۱۰ق)، *المختصر النافع*، ج ۲، تهران: قسم الدراسات الإسلامية فی مؤسسه البعثة.
- محقق سبزواری (۱۴۲۳ق) *کفایة الأحكام*، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- محمدی مهر، محمد حسن (۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام»، پایان‌نامه دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۶)، *ابزارهای مالی اسلامی* (صکوک)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرجلیلی، سید حسین (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات دومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی.
- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۹۴ق)، *جواهر الکلام*، ج ۲۶، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- Akhtar, vahid (2008), *Potential of Takaful in Pakistan: Operational and Transformational Paradigm*, Dissertation of P.h.d, Pakistan.

- Atiquzzafar Khan (2005), *TAKAFUL: Objectives and Methodology*; Lecture Prepared; International Islamic University, Islamabad, Pakistan.
- Billah, ma'sum (2003), *Islamic insurance (Takaful)*, Ilmieh publisher, Kuala lampur, Malaysia.
- Jafar, Sohail (2007), *Islamic Insurance, Trends Opportunities & The Future of Takaful*, London: Euromoney Institution Investor PLC.
- Khanzada, Shoaib (2006), *Life Insurance, Workshop*, 14 September, Karachi.
- Lewis, M. Kabir Hassan Abdul Rahim Abdul Wahab, Mervyn K (2007), "Islamic Takaful: Business Models, Shari'a Concerns and Proposed Solutions", *Thunderbird international Business Review*.n.3.
- Obeidollah, Mohammed (2005), *rating of Islamic Financial Institutions: Some methodological Suggestions*, Islamic Economic research Center, King Adul Aziz University, Jaddah, Soudia Arabia.
- salahuddin Ahmad (2006), *Islamic Banking, Finance & Insurance_A Global Overvie*, Gombak, Kualampor.
- Tarmidzi, Mohd (2008), *Introduction to Takaful, A Presentation of MII Basic Course*, Iranian Insurance Research & Training Center, Tehran.